Journal of Rehabilitation Counseling
University of Kurdistan
Journal Homepage: https://jmr.uok.ac.ir/
eISSN: 3116-0344

The Moderating Role of Parenting Styles in the Relationship Between Marital Conflict and Parent Abuse: Implications for Family Counseling and Rehabilitation

Zabihollah Abbaspour [1], Maryam Jafari [2], Reza Khojastehmehr [3]

1. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: z.abbaspour@scu.ac.ir
2. MSc student, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: maryam.jafarii160380@gmail.com
3. Professor, Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: khojasteh_r@scu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 2 August 2026
Received in revised form: 1 September 2026
Accepted: 2 September 2026
Available online: 6 September 2026

***Keywords*:**
Family Counseling, Family-Based Rehabilitation, Marital Conflict, Parent Abuse, Parenting Styles

ABSTRACT

Background and Objectives: Parent abuse is one of the less recognized forms of family violence that can adversely affect parents' psychological well-being and family functioning. Given the significant role of family factors in the development of this phenomenon, examining the moderating effects of parenting styles in the relationship between marital conflict and parent abuse is of considerable importance. The present study aimed to investigate the moderating roles of parenting styles in the relationship between marital conflict and parent abuse among mothers of female students.

Method: This descriptive correlational study employed a moderation analysis design. The statistical population consisted of all mothers of female students enrolled in junior and senior high schools in Gandoman, Chaharmahal and Bakhtiari Province, in 2025. Based on the Krejcie and Morgan sample size table, 240 participants were selected from a population of 638 mothers using cluster random sampling. Data were collected using the Marital Conflict Questionnaire, the Parent Abuse Scale–Girl to Mother (PAS-GM), and Baumrind's Parenting Styles Questionnaire. Data were analyzed using Pearson correlation and moderated regression analysis in SPSS version 29.

Findings: The findings indicated a significant positive relationship between marital conflict and parent abuse. Authoritative parenting style was negatively associated with parent abuse, whereas permissive and authoritarian parenting styles were positively associated with parent abuse. Moderation analysis revealed that authoritative and permissive parenting styles significantly moderated the relationship between marital conflict and parent abuse; however, authoritarian parenting style did not significantly moderate this relationship.

Conclusion: The findings of the present study indicate that marital conflict may represent one of the risk factors associated with increased child-to-parent violence, while parenting styles may play a determining role in how this relationship manifests. Accordingly, family-based counseling and rehabilitation interventions that focus on reducing marital conflict and strengthening an authoritative parenting style may contribute to preventing child-to-parent violence and promoting the psychosocial functioning of families.

Cite this article: Abbaspour, Z., Jafari, M., Khojastehmehr, R. (2026). The Moderating Role of Parenting Styles in Relationship between Marital Conflict and Parent Abuse. *Journal of Rehabilitation Counseling*, *2*(2), 397-407. https://doi.org/10.22034/jrc.2026.146541.1047

© The Author(s) retain the copyright.
Publisher: University of Kurdistan Press.
DOI: https://doi.org/10.22034/jrc.2026.146541.1047
DOR: 20.1001.1.31160344.1405.2.2.5.8

eISSN: 3116-0344
نشریه مشاوره توانبخشی
دانشگاه کردستان
Journal Homepage: https://jmr.uok.ac.ir/

نقش تعدیل‌گر سبک‌های فرزندپروری در رابطه بین تعارض زناشویی و والدآزاری: دلالت‌هایی برای مشاوره و توانبخشی خانواده

ذبیح‌اله عباس‌پور[1]✉، مریم جعفری[2]، رضا خجسته مهر[3]

۱. نویسندهٔ مسئول: دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. ایمیل: z.abbaspour@scu.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. ایمیل: maryam.jafarii160380@gmail.com
۳. استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. ایمیل: khojasteh_r@scu.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقالهٔ پژوهشی

تاریخچه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۲
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

کلیدواژه‌ها:
تعارض زناشویی، والدآزاری، سبک‌های فرزندپروری، مشاورهٔ خانواده، توانبخشی خانواده‌محور

چکیده

زمینه و هدف: والدآزاری به‌عنوان یکی از اَشکال کمتر شناخته‌شده خشونت خانوادگی می‌تواند پیامدهای روانی، اجتماعی و عملکردی گسترده‌ای برای والدین و سایر اعضای خانواده به‌همراه داشته باشد. شناسایی عوامل خانوادگی مؤثر بر این پدیده، می‌تواند در طراحی مداخلات مشاوره‌ای و توانبخشی خانواده‌محور نقش مهمی ایفا کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش تعدیل‌گر سبک‌های فرزندپروری در رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری در مادران دارای فرزند نوجوان انجام شد.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی–همبستگی با طرح تحلیل تعدیل‌گر انجام شد. جامعهٔ آماری شامل تمامی مادران دانش‌آموزان دختر دورهٔ متوسطه اول و دوم شهر گندمان در سال ۱۴۰۴ بود؛ که از میان آن‌ها، براساس جدول کرجسی و مورگان، ۲۴۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامهٔ تعارضات زناشویی، مقیاس والدآزاری دختر–مادر (PAS-GM) و پرسش‌نامهٔ سبک‌های فرزندپروری بامریند بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون تعدیل‌گر در نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۹ تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بین تعارض زناشویی و والدآزاری رابطهٔ مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین، سبک فرزندپروری مقتدرانه با والدآزاری رابطهٔ منفی و معنی‌دار، و سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه با والدآزاری رابطهٔ مثبت و معنی‌دار داشتند. نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلگر نشان داد سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه، رابطهٔ تعارض زناشویی و والدآزاری را تعدیل می‌کنند؛ در حالی که سبک فرزندپروری مستبدانه نقش تعدیل‌گر معنی‌داری در این رابطه نداشت.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که تعارض زناشویی می‌تواند یکی از عوامل خطر مرتبط با افزایش والدآزاری باشد و سبک‌های فرزندپروری در نحوه بُروز این رابطه نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. بر این اساس، مداخلات مشاوره‌ای و توانبخشی خانواده‌محور با تأکید بر کاهش تعارضات زناشویی و تقویت سبک فرزندپروری مقتدرانه می‌توانند در پیشگیری از والدآزاری و ارتقای کارکرد روانی اجتماعی خانواده مؤثر باشند.

استناد: عباس‌پور، ذ.، جعفری، م.، خجسته مهر، ر. (۱۴۰۵). نقش تعدیل‌گر سبک‌های فرزندپروری در رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری. *نشریه مشاوره توانبخشی*، ۲ (۲)، ۴۰۷-۳۹۷. https://doi.org/10.22034/jrc.2026.146541.1047

ناشر: انتشارات دانشگاه کردستان.

© نویسندگان.
CC BY NC

DOI: https://doi.org/10.22034/jrc.2026.146541.1047
DOR: 20.1001.1.31160344.1405.2.2.5.8

۱. مقدمه

خانواده نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و تربیتی است؛ که بستر شکل‌گیری هویت، رشد هیجانی، مهارت‌های بین‌فردی و سازگاری روان‌شناختی فرزندان را فراهم می‌کند. عملکرد مطلوب خانواده به‌عنوان یک نظام حمایتی، رشد سالم کودکان و نوجوانان را تسهیل می‌کند، در حالی که اختلال در کارکرد آن می‌تواند به منبعی از فشار، تنش و آسیب‌های روان‌شناختی و رفتاری تبدیل شود (ایبابه[1]، ۲۰۲۰). بنابراین، کیفیت روابط میان اعضای خانواده، به‌ویژه تعاملات والدین و فرزندان، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کنندهٔ سلامت روان و کارکرد اجتماعی نوجوانان محسوب می‌شود.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اختلال در کارکرد خانواده، والدآزاری[2] است؛ که در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. والدآزاری به رفتارهای تکرارشوندهٔ کلامی، روان‌شناختی، مالی یا جسمانی گفته می‌شود؛ که از سوی فرزند، به‌ویژه در دورهٔ نوجوانی، علیه والدین اِعمال می‌شود و با هدف آسیب رساندن یا اِعمال قدرت صورت می‌گیرد (بورگوس–بناویدس[3] و همکاران، ۲۰۲۳؛ راجرز[4] و آشورث[5]، ۲۰۲۴؛ فرهمند، ۱۴۰۳). این پدیده نشان می‌دهد که خشونت خانوادگی[6] تنها از والد به فرزند محدود نیست، بلکه می‌تواند در جهت معکوس نیز جریان یابد و سلامت روان والدین، کیفیت روابط خانوادگی و انسجام خانواده را تحت تأثیر قرار دهد.

با وجود گسترش مطالعات، والدآزاری همچنان یکی از پنهان‌ترین اَشکال خشونت خانوادگی است. بسیاری از خانواده‌ها به‌دلیل شرم، نگرانی از برچسب‌های اجتماعی یا حفظ آبرو، از گزارش این رفتارها خودداری می‌کنند. به همین دلیل، میزان واقعی وقوع آن احتمالاً بیش از آمارهای موجود است. این وضعیت در جوامعی مانند ایران، که احترام به والدین ارزش فرهنگی و دینی مهمی محسوب می‌شود، می‌تواند شدیدتر باشد (فرهمند، ۱۴۰۳). از این رو، شناسایی عوامل زمینه‌ساز والدآزاری، به‌ویژه در بافت فرهنگی ایران، اهمیت نظری و کاربردی ویژه‌ای دارد (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۱؛ عباس‌پور و همکاران، ۲۰۱۹؛ عباس‌پور و توخش، ۱۴۰۴؛ عباس‌پور و همکاران، ۱۴۰۳؛ عباس‌پور و همکاران، ۱۴۰۲الف؛ عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های دو دههٔ اخیر نشان می‌دهد که والدآزاری پدیده‌ای چند بُعدی است و تنها با ویژگی‌های فردی نوجوان تبیین نمی‌شود. مطالعات تجربی و فراتحلیل‌ها نقش هم‌زمان عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی را در بُروز آن تأیید کرده‌اند. دشواری در تنظیم هیجان، تجربه یا مشاهدهٔ خشونت خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد، ضعف صمیمیت خانوادگی، مشکلات سلامت روان نوجوان و تعارض‌های مزمن زناشویی از مهم‌ترین عوامل خطرآفرین شناخته شده‌اند (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲؛ عباس‌پور و همکاران، ۱۴۰۲ب؛ عباس‌پور و همکاران، ۱۴۰۲ج؛ کانو–لوزانو[7] و همکاران، ۲۰۲۰؛ باوتیستا–آراندا[8] و همکاران، ۲۰۲۳؛ دهوری[9] و همکاران، ۲۰۲۵).

تبیین این روابط بر پایه چارچوب‌های نظری مختلفی صورت گرفته است. نظریه یادگیری اجتماعی بیان می‌کند، که نوجوانان رفتارهای پرخاشگرانه را از طریق مشاهده تعاملات خشونت‌آمیز والدین می‌آموزند و بازتولید می‌کنند (کانو–لوزانو و همکاران، ۲۰۲۰). رویکرد بوم‌شناختی نیز والدآزاری را حاصل تعامل عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌داند (دهوری و همکاران، ۲۰۲۵). همچنین، نظریه امنیت هیجانی و مدل نشت هیجانی بر این نکته تأکید دارند که تعارض‌های مزمن زناشویی با کاهش احساس امنیت روان‌شناختی فرزندان و انتقال هیجان‌های منفی به رابطهٔ والد–فرزند، کیفیت فرزندپروری را تضعیف کرده و احتمال بُروز رفتارهای پرخاشگرانه نسبت به والدین را افزایش می‌دهند (ماستروتئودوروس[10] و همکاران، ۲۰۲۲).

در میان عوامل خانوادگی، تعارض زناشویی یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های والدآزاری است. این تعارض زمانی به عامل خطر تبدیل می‌شود که به‌صورت مزمن، حل‌نشده و همراه با خصومت و فرسایش عاطفی ادامه یابد. در چنین شرایطی، منابع هیجانی والدین صَرف مدیریت تعارض می‌شود و توان آنان برای پاسخ‌دهی حساس و همدلانه به فرزندان کاهش می‌یابد. در نتیجه، احتمال بُروز رفتارهایی مانند تنبیه، سردی عاطفی، بی‌ثباتی رفتاری و در نهایت واکنش‌های پرخاشگرانه نوجوانان نسبت به والدین افزایش می‌یابد (ماستروتئودوروس و همکاران، ۲۰۲۲).

---

1 Ibabe
2 parent abuse
3 Burgos-Benavides
4 Rogers
5 Ashworth
6 Domestic violence
7 Cano-Lozano
8 Bautista-Aranda
9 Dahouri
10 Mastrotheodoros

شواهد تجربی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کنند. مطالعات نشان داده‌اند، که تعارض زناشویی با مشکلات هیجانی و رفتاری نوجوانان، از جمله رفتارهای خصمانه نسبت به والدین، رابطهٔ مثبت دارد (کانو–لوزانو و همکاران، ۲۰۲۰؛ مارتینز–فرر[1] و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین، مرورهای نظام‌مند و فراتحلیل‌ها، تعارض زناشویی را در کنار خشونت خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد و مشکلات تنظیم هیجان، از مهم‌ترین عوامل خطر والدآزاری معرفی کرده‌اند (دهوری و همکاران، ۲۰۲۵؛ باوتیستا–آراندا و همکاران، ۲۰۲۳). یافته‌های پژوهش‌های داخلی نیز رابطهٔ مثبت تعارض زناشویی با والدآزاری و قرار گرفتن فرزندان در معرض خشونت خانوادگی را تأیید کرده‌اند (عباس‌پور و همکاران، ۱۴۰۲ب؛ عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲). با این حال، رابطهٔ تعارض زناشویی و والدآزاری رابطه‌ای ساده و خطی نیست و احتمالاً تحت تأثیر عوامل تعدیل‌کننده قرار دارد. ازاین‌رو، پژوهشگران به جای تمرکز صِرف بر اثر مستقیم تعارض زناشویی، به بررسی شرایطی روی آورده‌اند که این رابطه را تقویت یا تضعیف می‌کند (راجرز و آشورث، ۲۰۲۴؛ بورگوس–بناویدس و همکاران، ۲۰۲۳).

شیوه‌های فرزندپروری نیز از دیگر عوامل مؤثر بر رابطهٔ تعارض زناشویی و والدآزاری هستند. براساس نظریه بامریند[2]، شیوه‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه پیامدهای متفاوتی برای رشد هیجانی و اجتماعی فرزندان دارند (بامریند، ۱۹۹۱). والدین مقتدر، با ترکیب محبت، نظارت و ارتباط مؤثر، می‌توانند آثار منفی تعارض زناشویی را کاهش دهند، در حالی که شیوه‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه با کاهش صمیمیت خانوادگی و افزایش رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان همراهند (کانو–لوزانو و همکاران، ۲۰۲۰).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کنترل افراطی، تنبیه سخت‌گیرانه، بی‌ثباتی رفتاری، غفلت هیجانی و نظارت ناکافی احتمال والدآزاری را افزایش می‌دهد، در حالی که روابط مبتنی بر حمایت، پذیرش و گفت‌وگوی سازنده نقش محافظتی دارند (باوتیستا–آراندا و همکاران، ۲۰۲۳؛ بورگوس–بناویدس و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، حتی در خانواده‌های دارای تعارض زناشویی، شیوه‌های فرزندپروری کارآمد می‌توانند از تبدیل این تعارض‌ها به رفتارهای آزارگرانه جلوگیری کنند.

سبک‌های فرزندپروری تعیین می‌کنند که استرس و تنش ناشی از تعارض زناشویی والدین با چه کیفیتی در ذهن و رفتار فرزند پردازش می‌شود. سبک مقتدرانه با تقویت انسجام خانوادگی، عزت نفس و مهارت‌های تنظیم هیجان فرزند، به‌عنوان یک فیلتر محافظتی عمل کرده و مانع سِرایت تنش زناشویی به والدآزاری می‌شود. در مقابل، سبک‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه به‌ترتیب از طریق ایجاد خلأ قدرت و آموزش الگوهای پرخاشگری، پیوند بین تعارض زناشویی و والدآزاری را به‌شدت تقویت می‌کنند. با وجود گسترش مطالعات، بیشتر پژوهش‌ها اثر مستقیم متغیرهایی مانند تعارض زناشویی، خشونت خانوادگی، تنظیم هیجان و شیوه‌های فرزندپروری را بررسی کرده‌اند و مطالعات مربوط به نقش تعاملی این عوامل اندک است. همچنین، بیشتر این پژوهش‌ها در کشورهای غربی انجام شده‌اند و تعمیم نتایج آن‌ها به جامعه ایران، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و ساختار خانواده، نیازمند احتیاط است (ایبابه، ۲۰۲۰؛ راجرز و آشورث، ۲۰۲۴). بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر چارچوب نظری خانواده و یافته‌های پیشین، رابطهٔ تعارض زناشویی و والدآزاری را با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر سن فرزند و شیوه‌های فرزندپروری بررسی می‌کند. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش، علاوه بر غنی‌تر کردن ادبیات نظری والدآزاری، مبنایی برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و برنامه‌های آموزشی در جهت بهبود روابط خانوادگی، ارتقای شیوه‌های فرزندپروری و کاهش خشونت علیه والدین فراهم آورد. ازاین‌رو، هدف این پژوهش تعیین نقش تعدیل‌گر سبک‌های فرزندپروری در رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری در مادران دانش‌آموزان دختر بود.

۲. روش

این پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی با متغیر تعدیل‌گر بود. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل کلّیهٔ مادران دانش‌آموزان دختر دورهٔ متوسطه اول و دوم شهر گندمان استان چهارمحال و بختیاری در سال ۱۴۰۴ بودند. براساس اطلاعات اخذ شده از ادارهٔ آموزش و پرورش گندمان، تعداد کل دانش‌آموزان دختر این مقاطع ۶۳۸ نفر (۳۵۹ نفر مقطع متوسطه اول و ۲۷۹ نفر مقطع متوسطه دوم) گزارش شد. حجم نمونه با توجه به جدول کرجسی[3] و مورگان[4] (۱۹۷۰) برای جامعهٔ ۶۳۸ نفری، ۲۴۰ نفر از مادران این دانش‌آموزان تعیین گردید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت تصادفیِ خوشه‌ایِ یک مرحله‌ای بود؛ بدین ترتیب که از بین کلّیهٔ مدارس متوسطه دخترانه، پنج مدرسه به‌صورت تصادفی ساده و به‌عنوان خوشه در نظر گرفته شدند. این مدارس شامل دو مدرسه متوسطه دورهٔ اول (۱۲۰ دانش‌آموز) و سه مدرسه متوسطه دورهٔ دوم (۱۲۰ دانش‌آموز) بودند. سپس مادران کلّیهٔ این دانش‌آموزان طبق معیارهای ورود به‌عنوان نمونه پژوهش

1 Martínez-Ferrer
2 Baumrind
3 Krejcie
4 Morgan

انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش تمایل و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و سواد خواندن و نوشتن بود. ۷۳/۸ درصد (۱۷۷ نفر) شاغل و ۲۶/۳ درصد (۶۳ نفر) خانه‌دار بودند. بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلی زیر دیپلم ۴۱/۳ درصد (۹۹ نفر) و کمترین فراوانی مربوط به دکترا ۸ درصد (۲ نفر) است. سایر سطوح تحصیلی به‌ترتیب دیپلم ۱۳/۸ درصد (۳۳ نفر)، فوق دیپلم ۱۸/۸ درصد (۴۵ نفر)، کارشناسی ۱۷/۱ درصد (۴۱ نفر) و کارشناسی ارشد ۸/۳ درصد (۲۰ نفر) هستند.

۲-۱. ابزارها

۲-۱-۱. پرسش‌نامهٔ تعارضات زناشویی (MCQ)

پرسش‌نامهٔ تعارضات زناشویی (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷) میزان و ابعاد مختلف تعارض زناشویی را در هفت بُعدِ کاهش همکاری، کاهش رابطهٔ جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، تغییر در روابط با خویشاوندان و جدا کردن امور مالی را ارزیابی می‌کند. نمره‌گذاری پرسش‌نامه براساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از هرگز (۱) تا همیشه (۵) انجام می‌شود. حداقل نمره کل ۴۲ و حداکثر ۲۱۰ است و نمره بالاتر نشان‌دهندهٔ سطح بالاتر تعارض زناشویی است. روایی محتوایی و ساختاری این ابزار در پژوهش‌های داخلی مورد تأیید قرار گرفته و ضرایب همبستگی خرده‌مقیاس‌ها با نمره کل در دامنه‌ای قابل قبول گزارش شده است (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین، آلفای کرونباخ کل و خرده‌مقیاس‌ها در مطالعات هنجاریابی داخلی در محدوده‌ای مناسب (حدود ۰/۶۰ تا ۰/۸۱) گزارش شده است. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به‌دست آمد.

۲-۱-۲. مقیاس والد آزاری دختر-مادر (PAS-gm)

مقیاس والدآزاری (دختر–مادر) یک مقیاس ۱۴ ماده‌ای است که برای سنجش دو بُعد والدآزاری (فیزیکی و عاطفی) در دختران نوجوان جامعهٔ ایرانی توسط عباس‌پور و همکاران (۲۰۱۹) ساخته شده است. این مقیاس دو بُعد والدآزاری را از دیدگاه مادر در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از هیچ وقت (۱) تا همیشه (۵) می‌سنجد. در این مقیاس علاوه بر دو نمرهٔ والدآزاری (فیزیکی و عاطفی) یک نمرهٔ کل با حداقل ۱۴ و حداکثر ۷۰ برای هر آزمودنی محاسبه می‌شود. نمره بالا در این مقیاس نشانه میزان بالای والدآزاری است. نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که این مقیاس از دو عامل فیزیکی و عاطفی تشکیل شده است و آلفای کرونباخ نمره کل این ابزار ۰/۹۱ گزارش شد (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین، در پژوهش عباس‌پور و همکاران (۱۴۰۲ب) نیز اعتبار نمرهٔ کل این ابزار از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به‌دست آمد.

۲-۱-۳. پرسش‌نامهٔ سبک‌های فرزندپروری

این پرسش‌نامه براساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) طراحی شد. ۳۰ ماده این پرسش‌نامه سه شیوهٔ فرزندپروی آسان‌گیر، مستبد و مقتدرانه را می‌سنجد. والدین با مطالعه هر گویه نظر خود را بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۴) گزارش می‌دهند (رنگانی و همکاران، ۱۴۰۴). اسفندیاری (۱۳۷۴؛ به نقل از اقبالی و همکاران، ۱۳۹۵) روایی و پایایی این پرسش‌نامه را قابل قبول گزارش کرده است. اقبالی و همکاران (۱۳۹۵) نیز ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ را برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۷۸، مستبدانه ۰/۷۱ و مقتدرانه ۰/۶۸ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۷۶، مستبدانه ۰/۷۴ و مقتدرانه ۰/۷۲ به‌دست آمد.

۲-۲. روش اجرا

پس از تأیید پژوهش در دانشگاه شهید چمران اهواز و اخذ مجوزهای لازم از آن دانشگاه و اداره آموزش و پرورش شهر گندمان و مدارس منتخب، اجرای میدانی پژوهش به‌صورت منظم و مرحله‌ای انجام شد. ابتدا با مدیران مدارس هماهنگی صورت گرفت و تاریخ‌های مناسب برای حضور پژوهشگر تعیین گردید. پیش از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، رضایت‌نامه آگاهانه به‌صورت کتبی از تمامی مشارکت‌کنندگان اخذ و هدف پژوهش، داوطلبانه‌بودن مشارکت، محرمانه‌بودن اطلاعات و نحوه پاسخ‌دهی به سئوالات تشریح شد. پرسش‌نامه‌ها به‌صورت حضوری و با رعایت ملاحظات اخلاقی، در جلسات تعیین‌شده به مادران دانش‌آموزان دختر ارائه شد و در همان‌جا تکمیل گردید. برای ارتقای کیفیت داده‌ها، پرسش‌نامه‌ها توسط پژوهشگر برای این مادران توضیح داده شدند و در خلال تکمیل پرسش‌نامه‌ها، به سوالات مادران و ابهامات آن‌ها، پاسخ داده شد.

۲-۳. شیوهٔ تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون تعدیل‌گر و از طریق نرم‌افزار کامپیوتری SPSS نسخهٔ ۲۹ استفاده شد. برای کلّیهٔ فرضیه‌ها سطح معنی‌داری (α=۰/۰۵) در نظر گرفته شد.

۳. یافته‌ها

در جدول شمارهٔ ۱، اطلاعات توصیفی و ضرایب همبستگی مربوط به متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول شمارهٔ ۱: اطلاعات توصیفی و نتایج ضریب همبستگی پیرسون

	میانگین	انحراف	۱	۲	۳	٤	٥
۱. تعارض زناشویی	۱۲۷/۷۶	۶/۹۲	۱				
۲. سبک مقتدرانه	۲۷/۱۷	۲/۱۸	−۰/۶۱**	۱			
۳. سبک سهل‌گیرانه	۲۸/۰۴	۲/۲۷	۰/۶۲**	−۰/۱۸**	۱		
۴. سبک مستبدانه	۲۶/۷۶	۲/۱۱	۰/۶۳**	−۰/۲۵**	−۰/۲۵**	۱	
۵. والدآزاری	۴۲/۰۲	۲/۶۷	۰/۶۲**	−۰/۳۴*	۰/۴۵**	۰/۱۷*	۱

** (p<0/01), * (p<0/05)

اطلاعات جدول شمارهٔ ۱ نشان می‌دهد که بین تعارض زناشویی (۰/۶۲)، سبک مقتدرانه (۰/۳۴−)، سبک سهل‌گیرانه (۰/۴۵) و سبک مستبدانه (۰/۱۷) با والدآزاری رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. برای اطمینان از اینکه داده‌های این پژوهش مفروضه‌های زیربنایی روش تحلیل رگرسیون را برآورد می‌کنند، چهار مفروضه شامل داده‌های گمشده[1]، بررسی داده‌های پرت[2]، نرمال بودن[3] و هم‌خطی چندگانه[4] مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر، هیچ دادهٔ گمشده‌ای وجود نداشت. جهت بررسی داده‌های پرت تک متغیری، نمره‌های Z متغیرها محاسبه شد. نتایج نشان داد، که نمره‌های هیچ یک از آزمودنی‌ها ۳ انحراف معیار بالا یا پایین میانگین نبودند. جهت بررسی نرمال بودن، از ضریب کجی[5] و ضریب کشیدگی[6] استفاده می‌شود. قدرمطلق ضریب کجی هیچ کدام از متغیرها، بزرگ‌تر از ۳ و قدرمطلق ضریب کشیدگی هیچ کدام بزرگ‌تر از ۱۰ نبود که نشان می‌دهد براساس معیارهای تعیین‌شدهٔ (مروتی و همکاران، ۱۳۹۲) داده‌ها نرمال هستند. جهت بررسی هم‌خطی چندگانه، از آمارهٔ تحمل[7] و عامل تورم واریانس[8] استفاده شد. ارزش‌های تحمل هیچ کدام از متغیرها کمتر از ۰/۱۰ و ارزش‌های عامل تورم واریانس هیچ کدام از متغیرها بزرگ‌تر از ۱۰ نبود. بنابر شاخص‌های تعیین‌شدهٔ (مروتی و همکاران، ۱۳۹۲) بین متغیرهای پژوهش، هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. جدول شمارهٔ ۲ نتایج تحلیل رگرسیون نقش تعدیل‌گر سبک مقتدرانه در رابطهٔ تعاملی بین تعارض زناشویی و والدآزاری را نشان می‌دهد.

جدول شمارهٔ ۲. نتایج تحلیل رگرسیون نقش تعدیل‌گر سبک مقتدرانه در رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری

متغیرها	MR	RS	F P	ضرایب رگرسیون		
				۱	۲	۳
تعارض زناشویی	۰/۶۲۴	۰/۳۹۰	۱۵۲/۰۷	β = ۰/۶۲۴		
				t = ۱۲/۳۳۲		
			p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱		
سبک مقتدرانه	۰/۶۲۷	۰/۳۹۳	۱/۲۵۸	β = ۰/۶۶۸	β = −۰/۰۷۲	
				t = ۱۰/۴۳۳	t = −۱/۱۲۱	
			p>۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱	p>۰/۲۶۳	

1 missing
2 outliers
3 normality
4 multi collinearity
5 skewness
6 kurtosis
7 tolerance
8 variance inflation factor

تعارض زناشویی × سبک مقتدرانه	۰/۶۷۶	۰/۴۵۷	۲۷/۵۱۸	β = ۴/۲۵۲	β = ۴/۹۵۷	β = −۷/۷۶۵
				t = ۶/۲۳۳	t = ۵/۱۸۸	t = −۵/۲۷۴
			p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول شمارهٔ ۲ مشاهده می‌شود، افزودن متغیر تعاملِ تعارض زناشویی و سبک مقتدرانه به مدل، میزان واریانس تبیین‌شدهٔ متغیر ملاک (والدآزاری) را به‌طور معنی‌داری افزایش داده است (از ۰/۳۹۳ به ۰/۴۵۷). ضرایب رگرسیون مربوط به تعامل این دو متغیر (β =−۷/۷۶۵) و (p<۰/۰۰۱) نشان می‌دهد که این افزایش از لحاظ آماری معنی‌دار است. می‌توان اظهار داشت که سبک فرزندپروی مقتدرانه، تعدیل‌کنندهٔ رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری است و با توجه به علامت منفی ضریب بتای تعامل، این سبک فرزندپروی از شدت رابطهٔ مثبت تعارض زناشویی با والدآزاری می‌کاهد. جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون نقش تعدیل‌گر سبک سهل‌گیرانه در رابطهٔ تعاملی بین تعارض زناشویی و والدآزاری را نشان می‌دهد.

جدول شمارهٔ ۳. نتایج تحلیل رگرسیون نقش تعدیل‌گر سبک سهل‌گیرانه در رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری

متغیرها	MR	RS	F p	ضرایب رگرسیون		
				۱	۲	۳
تعارض زناشویی	۰/۶۲۴	۰/۳۹۰	۱۵۲/۰۷	β = ۰/۶۲۴		
				t = ۱۲/۳۳۲		
			p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱		
سبک سهل گیرانه	۰/۶۲۹	۰/۳۹۵	۲/۱۰۹	β = ۰/۵۵۶	β = ۰/۰۹۴	
				t = ۸/۷۹۵	t = ۱/۴۵۲	
			p>۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱	p>۰/۱۴۸	
تعارض زناشویی × سبک سهل گیرانه	۰/۶۹۸	۰/۴۸۷	۳۴۰۲۴/۱۷	β = ۰/۰۵۸	β = −۱/۲۶۶	β = ۱/۸۸۸
				t = ۹/۶۳۱	t =−۱۳۸/۹۵۴	t = ۱۸۴/۴۵۶
				p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱

جدول شمارهٔ ۳ نشان می‌دهد افزودن متغیر تعاملِ تعارض زناشویی و سبک سهل‌گیرانه به مدل، میزان واریانس تبیین‌شدهٔ متغیر ملاک (والدآزاری) را به‌طور چشمگیری (از ۰/۳۹۵ به ۰/۴۸۷) افزایش داده است. ضرایب رگرسیون مربوط به تعامل این دو متغیر (β =۱/۸۸۸) و (p<۰/۰۰۱) نشان می‌دهند که این افزایش از لحاظ آماری معنی‌دار است. می‌توان اظهار داشت که سبک فرزندپروی سهل‌گیرانه تعدیل‌کنندهٔ رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری است. علامت مثبت ضریب بتای تعامل نشان می‌دهد این سبک فرزندپروی بر شدت رابطهٔ مثبت تعارض زناشویی با والدآزاری می‌افزاید. جدول شمارهٔ ۴ نتایج تحلیل رگرسیون نقش تعدیل‌گر سبک مستبدانه در رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری

جدول شمارهٔ ۴. نتایج تحلیل رگرسیون نقش تعدیل‌گر سبک مستبدانه در رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری

متغیرها	MR	RS	F P	ضرایب رگرسیون		
				۱	۲	۳
تعارض زناشویی	۰/۶۲۴	۰/۳۹۰	۱۵۲/۰۷	β = ۰/۶۲۴		
				t = ۱۲/۳۳۲		
			p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱		
سبک مستبدانه	۰/۶۸۹	۰/۴۷۴	۳۸/۰۵۲	β = ۰/۸۵۸	β = −۰/۳۷۳	
				t = ۱۴/۱۹۶	t = −۶/۱۶۹	
			p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱	p<۰/۰۰۱	
تعارض زناشویی × سبک	۰/۶۹۱	۰/۴۷۷	۱/۳۰۸	β = ۰/۲۸۳	β = −۱/۲۵۷	β = ۱/۳۲۴

مستبدانه		t = ۰/۵۶۰	t = −۱/۶۲۱	t = ۱/۱۴۴
	p>۰/۰۰۱	p>۰/۰۰۱	p>۰/۰۰۱	p>۰/۰۰۱

جدول شمارهٔ ۴ نیز نشان می‌دهد هر چند افزودن متغیر تعامل تعارض زناشویی و سبک مستبدانه به مدل، میزان واریانس تبیین‌شدهٔ متغیر ملاک (والدآزاری) را اندکی افزایش داده است (از ۰/۴۷۴ به ۰/۴۷۷)، اما ضرایب رگرسیون مربوط به تعامل این دو متغیر (β = ۱/۳۲۴) و (p>۰/۰۰۱) نشان می‌دهند که این افزایش از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. بنابراین، سبک مستبدانه تعدیل‌کنندهٔ رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری نیست.

٤. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و سهل‌گیرانه، رابطهٔ تعارض زناشویی و والدآزاری را به‌طور معنی‌داری تعدیل می‌کنند؛ در حالی که سبک فرزندپروری مستبدانه نقش تعدیل‌گر معنی‌داری در این رابطه ایفا نکرد. در تبیین نقش تعدیل‌گر سبک فرزندپروری مقتدرانه، نتایج نشان‌دهندهٔ اثر محافظتی این سبک در کاهش پیامدهای منفی تعارض زناشویی است. سبک مقتدرانه با ویژگی‌هایی چون محبت و پاسخ‌دهی بالا در کنار انتظار و کنترل منطقی شناخته می‌شود (بامریند، ۱۹۹۱؛ جیمنز–گرانادو[1] و همکاران، ۲۰۲۳). براساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، کودکان الگوهای رفتاری را از طریق مشاهدهٔ تعاملات والدین می‌آموزند (کوئرو[2]، ۲۰۲۱). در خانواده‌های مقتدر، والدین حتی در زمان بُروز تعارض، از راهبردهای حل مسئله سازنده و استدلال‌های منطقی استفاده می‌کنند (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲). این رویکرد به فرزندان می‌آموزد که تعارضات بین‌فردی را می‌توان بدون توسل به خشونت حل کرد (کالوت[3] و همکاران، ۲۰۱۵ب). بنابراین، سبک مقتدرانه به‌عنوان یک منبع حمایتی، امنیت عاطفی فرزند را تقویت کرده و اجازه نمی‌دهد استرس ناشی از تعارض زناشویی به رفتارهای پرخاشگرانه علیه والدین تبدیل شود (عباس‌پور و همکاران، ۱۴۰۲ب؛ موریرا[4] و همکاران، ۲۰۱۴). والدین مقتدر با ایجاد قواعد شفاف و در عین حال گرمی عاطفی، مانع از شکل‌گیری احساس درماندگی یا خشم در فرزند می‌شوند که از عوامل اصلی والدآزاری است (عباس‌پور و همکاران، ۱۴۰۲ج).

در مقابل، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه که با پذیرش بالا اما کنترل و محدودیت بسیار پایین مشخص می‌شود، رابطهٔ تعارض زناشویی و والدآزاری را تشدید می‌کند (کوئرو، ۲۰۲۱). براساس نظریه مدل اکولوژیکی[5] داتون[6] و نظریه اجبار[7] پترسون[8]، در خانواده‌هایی که تعارض زناشویی بالاست، والدین به‌دلیل استرس زیاد ممکن است به رفتارهای سهل‌گیرانه یا ناهماهنگ روی آورند (پاگانی[9] و همکاران، ۲۰۰۳؛ آریاس–ریورا[10] و همکاران، ۲۰۲۲). فرزندان در چنین محیطی یاد می‌گیرند که رفتارهای نامناسب آن‌ها پیامد جدی ندارد و حتی می‌تواند ابزاری برای رسیدن به اهدافشان در میان تنش‌های والدین باشد (کوترل[11] و موناک[12]، ۲۰۰۴). فقدان مرزهای مشخص و ساختار سلسله‌مراتبی در سبک سهل‌گیرانه، باعث می‌شود فرزند خود را در جایگاه قدرت ببیند و در مواجهه با استرس ناشی از تعارضات والدین، به رفتارهای استبداد مآبانه و والدآزاری روی آورد تا کنترل محیط را به دست گیرد (کوئرو، ۲۰۲۱؛ پری‌یرا[13]، ۲۰۱۱). این والدین برای اجتناب از مواجهه بیشتر و کاهش تنش، در برابر باج‌گیری‌های عاطفی و رفتارهای پرخاشگرانه فرزند تسلیم می‌شوند که همین امر، خشونت فرزند را تقویت می‌کند (عباس‌پور و همکاران، ۱۴۰۲ج).

یافتهٔ قابل توجه در این پژوهش، عدم معنی‌داری نقش تعدیل‌گر سبک فرزندپروری مستبدانه در رابطهٔ بین تعارض زناشویی و والدآزاری است. سبک مستبدانه با کنترل شدید، تنبیه و پاسخ‌دهی عاطفی بسیار پایین مشخص می‌شود (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲). در ادبیات

1 Jiménez-Granado
2 Cuervo
3 Calvete
4 Moreira
5 Ecological Model
6 Dutton
7 Coercion Theory
8 Patterson
9 Pagani
10 Arias-Rivera
11 Cottrell
12 Monak
13 Pereira

پژوهشی، سبک مستبدانه به‌عنوان یکی از قوی‌ترین پیش‌بین‌های مستقیم والدآزاری معرفی شده است (جیمنز-گرانادو و همکاران، ۲۰۲۳). براساس نظریه اجبار، تعاملات خصمانه و تنبیه‌های بدنی در این سبک، خود به تنهایی عاملی برای ایجاد چرخه خشونت هستند (پترسون، ۱۹۸۲). به نظر می‌رسد احتمالاً اثر مخرب سبک مستبدانه بر والدآزاری چنان غالب و مستقیم است که میزان تعارض زناشویی تغییر چندانی در شدت این رابطه ایجاد نمی‌کند. به عبارت دیگر، در خانواده‌های مستبد، خودِ شیوهٔ فرزندپروری (فشار، تحقیر و فقدان گرمی) منبع اصلی خشونت فرزند است و تعارض زناشویی تنها لایه دیگری از تنش را اضافه می‌کند، بدون اینکه ماهیت رابطهٔ فرزند با والدین را از ریشه تغییر دهد (عباس‌پور و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، فرزندان در این خانواده‌ها ممکن است به‌دلیل ترس از تنبیه شدید در کوتاه‌مدت خشونت خود را سرکوب کنند، اما در درازمدت با درونی‌سازی الگوهای پرخاشگرانه، مستقیماً به آزار والدین روی می‌آورند (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۷).

یافته‌های این پژوهش با مدل اکولوژیکی داتون همخوانی دارد که بر پیچیدگی و چند عاملی بودن والدآزاری تأکید می‌کند. تعارض زناشویی به‌عنوان یک عامل در سطح میکروسیستم (خانواده)، از طریق سبک‌های فرزندپروری که واسطهٔ انتقال ارزش‌ها و مهارت‌های مقابله‌ای هستند، بر رفتار فرزند اثر می‌گذارد. سبک مقتدرانه با تقویت عزت نفس و مهارت‌های ارتباطی، اثرات مخرب تعارض را خنثی می‌کند، در حالی که سبک سهل‌گیرانه با ایجاد خلأ قدرت، زمینه را برای سوءاستفاده فرزند از تنش‌های والدین فراهم می‌سازد. عدم نقش تعدیل‌گری سبک مستبدانه نیز نشان‌دهنده این است که ماهیت ستیزه‌جویانه این سبک، خود یک محرک مستقل و قدرتمند برای والدآزاری است که لزوماً تحت تأثیر کیفیت رابطه زناشویی قرار نمی‌گیرد. این نتایج بر ضرورت آموزش مهارت‌های فرزندپروری مثبت و مدیریت تعارضات زناشویی در برنامه‌های مداخله‌ای برای خانواده‌های درگیر با والدآزاری تأکید دارد.

۴-۱. محدودیت‌ها و پیشنهادها

نمونه پژوهش تنها شامل مادران دانش‌آموزان دختر در دورهٔ متوسطه اول و دوم شهر گندمان بود؛ که قابلیت تعمیم نتایج به والدین پسر، سایر گروه‌های سنی و مناطق جغرافیایی دیگر را محدود می‌کند. براساس نتایج توصیفی، حدود ۴۱ درصد از مادران شرکت‌کننده دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند؛ این ترکیب تحصیلی نمونه، اگرچه بازتاب‌دهندهٔ واقعیت بخشی از جامعه مورد مطالعه است، اما تعمیم نتایج به مادران با سطوح تحصیلی بالاتر (دیپلم و دانشگاهی) را محدود می‌کند و می‌تواند با سطح آگاهی، شیوه‌های تربیتی و الگوهای ارتباطی خاص این گروه تحصیلی درهم‌تنیده باشد. یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش این است که والدآزاری از دیدگاه مادران بررسی شده است و ادراک مادران را می‌سنجد نه فرزندان. برای افزایش قابلیت تعمیم یافته‌ها، پژوهش‌های آتی می‌توانند نمونه‌های متنوع‌تری شامل والدین پسر، گروه‌های سنی مختلف و مناطق جغرافیایی متفاوت را دربرگیرند تا نتایج برای جمعیت وسیع‌تری قابل تعمیم باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود از ابزارهایی که والدآزاری را از دیدگاه فرزندان بررسی می‌کند، استفاده شود.

۵. تعارض منافع

نویسندگان در خصوص نتایج، تعارض منافع خاصی ندارند.

۶. منابع مالی

این مطالعه مستخرج از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز است و با حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شده است.

۷. تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت مشارکت‌کنندگان

قبل از توزیع ابزارهای پژوهش، در مورد اهداف پژوهش به شرکت‌کنندگان توضیح کلی و در مورد حفظ رازداری و محرمانه بودن اطلاعات حاصل از پژوهش نیز به مشارکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد. حق خروج از پژوهش در هر مرحله‌ای از پژوهش به مشارکت‌کنندگان تعلق گرفته و جهت حفظ حریم خصوصی مشارکت‌کنندگان، در تحلیل پرسش‌نامه‌ها نیز از شماره‌گذاری استفاده شده است.

۸. رضایت برای انتشار

نویسندگان متعهد می‌شوند که نسخه مورد نظر این مقاله در جای دیگری جهت چاپ ارسال نشده و موافقت خود را جهت انتشار در این مجله اعلام می‌دارند.

۹. سپاسگزاری

به این ترتیب مراتب قدردانی خود از کارکنان محترم آموزش و پرورش شهر گندمان و مادران محترم دانش‌آموزانی که در این پژوهش مشارکت کردند اعلام می‌داریم.

References

Abbaspour, Z., Karimi, S., & Sodani, M. (2024). Prevalence of parent abuse in high school boy students during the coronavirus pandemic. *Journal of Ilam University of Medical Sciences*, *31*(6), 115–126. https://sjimu.medilam.ac.ir/article-1-8115-en.pdf

Abbaspour, Z., Laki, P. S., & Rajabi, G. (2022). The predictors of mother abuse in male students: Domestic violence, marital conflict, family coherence, parenting styles, and self-esteem. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, *16*(1), Article e115767. https://doi.org/10.5812/ijpbs.115767

Abbaspour, Z., Nazarian Samani, R., & Shiralinia, K. (2023). Family cohesion and parent abuse: The mediating role of domestic violence, marital conflict, self-esteem and resilience. *Journal of Psychology*, *27*(1), 19–27. http://www.iranapsy.ir/Article/38604

Abbaspour, Z., Poursardar, F., Ghanbari, Z., Shahuri, S., & Shadfar, A. (2018). Development and validation of the Parent Abuse Scale (boys' form). *Educational Measurement Quarterly*, *8*(21), 33–46. https://jem.atu.ac.ir/article_8986.html

Abbaspour, Z., Salehi, S., Koraei, A., Charkhab, N., & Kardani, A. (2019). Development and validation of Parent Abuse Scale (girl-mother version). *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, *13*(2), Article e83010. https://doi.org/10.5812/ijpbs.83010

Abbaspour, Z., Salarvand, M., & Khojastehmehr, R. (2024). Comparison of the mother abuse in urban and rural students of Durood. *The Women and Families Cultural-Educational*, *19*(66), 227–246.

Abbaspour, Z., & Tavakhosh, A. M. (2025). Predicting mother abuse based on spouse's emotional blackmail and self-esteem. *Journal of Ilam University of Medical Sciences*, *33*(3), 39–52. http://sjimu.medilam.ac.ir/article-1-8324-fa.html

Abbaspour, Z., Vasel, G., & Khojastehmehr, R. (2021). Investigating the lived experiences of abused mothers: A phenomenological study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, *10*(2), 108–114. https://doi.org/10.22062/jqr.2021.193653.0

Abbaspour, Z., Vasel, G., Khojastehmehr, R., & Amanelahi, A. (2024). Development of a psycho-educational intervention program designed to mother abuse and its effectiveness on mother abuse. *Family Counseling and Psychotherapy*, *13*(2), 3–26. https://doi.org/10.22034/fcp.2024.139408.2173

Arias-Rivera, S., Lorence, B., & Hidalgo, V. (2022). Parenting skills, family functioning and social support in situations of child-to-parent violence: A scoping review of the literature. *Journal of Family Violence*, *37*(7), 1147–1160. https://doi.org/10.1007/s10896-021-00316-y

Bautista-Aranda, N., Contreras, L., & Cano-Lozano, M. C. (2023). Exposure to violence during childhood and child-to-parent violence: The mediating role of moral disengagement. *Healthcare*, *11*(10), Article 1402. https://doi.org/10.3390/healthcare11101402

Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, *11*(1), 56–95. https://doi.org/10.1177/0272431691111004

Burgos-Benavides, L., Cano-Lozano, M. C., Ramírez, A., & Rodríguez-Díaz, F. J. (2023). Instruments of child-to-parent violence: Systematic review and meta-analysis. *Healthcare*, *11*(24), Article 3192. https://doi.org/10.3390/healthcare11243192

Calvete, E., Orue, I., Gámez-Guadix, M., & Bushman, B. J. (2015). Predictors of child-to-parent aggression: A 3-year longitudinal study. *Developmental Psychology*, *51*(5), 663–676. https://doi.org/10.1037/a0039092

Cano-Lozano, M. C., Rodríguez-Díaz, F. J., León, S. P., & Contreras, L. (2020). Analyzing the relationship between child-to-parent violence and perceived parental warmth.

Frontiers in Psychology, *11*, Article 590097. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.590097

Cottrell, B., & Monk, P. (2004). Adolescent-to-parent abuse: A qualitative overview of common themes. *Journal of Family Issues*, *25*(8), 1072–1095. https://doi.org/10.1177/0192513X03261330

Cuervo, K. (2023). A deeper understanding of child to parent violence (CPV): Personal traits, family context, and parenting. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, *67*(10–11), 1079–1105. https://doi.org/10.1177/00302228231209654

Dahouri, A., Mirghafourvand, M., Zahedi, H., Maghalian, M., & Hosseinzadeh, M. (2025). Prevalence of child to parent violence and its determinants: A systematic review and meta-analysis. *BMC Public Health*, *25*(1), Article 1426. https://doi.org/10.1186/s12889-025-22600-y

Dutton, D. G. (1985). An ecologically nested theory of male violence toward intimates. *International Journal of Women's Studies*, *8*(4), 404–413.

Eghbali, M., Mousavi, S. V., & Hakima, F. (2021). The effectiveness of transactional analysis on mothers' parenting styles. *Iranian Journal of Family Psychology*, *3*(2), 17–26. https://www.ijfpjournal.ir/article_245515.html

Farahmand, M., Haghighi, H., & Baharluoei, M. (2024). Analyzing the phenomenon of parental abuse among Meybedi families. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, *13*(24), 145–178. https://doi.org/10.22084/csr.2024.28309.2232

Ibabe, I. (2020). A systematic review of youth-to-parent aggression: Conceptualization, typologies, and instruments. *Frontiers in Psychology*, *11*, Article 577757. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.577757

Jiménez-Granado, A., del Hoyo-Bilbao, J., & Fernández-González, L. (2023). Interaction of parental discipline strategies and adolescents' personality traits in the prediction of child-to-parent violence. *The European Journal of Psychology Applied to Legal Context*, *15*(1), 43–52. https://doi.org/10.5093/ejpalc2023a5

Martínez-Ferrer, B., Romero-Abrio, A., León-Moreno, C., Villarreal-González, M. E., & Musitu-Ferrer, D. (2020). Suicidal ideation, psychological distress and child-to-parent violence: A gender analysis. *Frontiers in Psychology*, *11*, Article 575388. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.575388

Mastrotheodoros, S., Papp, L. M., Van der Graaff, J., Deković, M., Meeus, W. H. J., & Branje, S. (2022). Explaining heterogeneity of daily conflict spillover in the family: The role of dyadic marital conflict patterns. *Family Process*, *61*(1), 342–360. https://doi.org/10.1111/famp.12648

Moreira, H., Frontini, R., Bullinger, M., & Canavarro, M. C. (2014). Family cohesion and health-related quality of life of children with type 1 diabetes: The mediating role of parental adjustment. *Journal of Child and Family Studies*, *23*(2), 347–359. https://doi.org/10.1007/s10826-013-9758-6

Morovati, Z., Shehni Yailagh, M., Mehrabizadeh Honarmand, M., & Kianpoor Ghahfarokhi, F. (2013). The causal relationship between perceived constructive learning environment and mathematics performance with mediating role of intrinsic goal orientation, task value, attitude toward mathematics and mathematics self-efficacy of male junior high school students in Ahvaz. *Psychological Achievements*, *20*(1), 91–122. https://civilica.com/doc/1893740/

Pagani, L. S., Larocque, D., Vitaro, F., & Tremblay, R. E. (2003). Verbal and physical abuse toward mothers: The role of family configuration, environment, and coping strategies. *Journal of Youth and Adolescence*, *32*(3), 215–222. https://doi.org/10.1023/A:1022599504726

Patterson, G. R. (1982). *Coercive family process*. Castalia.

Pereira, R. (2011). *Psicoterapia de la violencia filio-parental*. Ediciones Morata.

Rangani, N., Ashori, M., Norouzi, G., & Hallahan, D. (2025). The effectiveness of Circle of Security-Parenting (COS-P) program on the parenting style of mothers of children with hearing impairment. *Applied Psychology*, *19*(4), 9–31. https://doi.org/10.48308/apsy.2024.235589.1646

Rogers, M. M., & Ashworth, C. (2024). Child-to-parent violence and abuse: A scoping review. *Trauma, Violence, & Abuse*, *25*(4), 3285–3298. https://doi.org/10.1177/15248380241246033

Sanaei, B., Alagheband, S., Falahati, S., & Hooman, A. (2008). *Family and marriage assessment scales*. Baathat Publications.